نگاه

شبکه‌ها و سرمایه اجتماعی

علی شعبانی

● کارکرد شبکه‌های اجتماعی در وقایع و مسائل اخیر، گویای این است که اینک شبکه‌های اجتماعی مبتنی‌بر فضای مجازی، به ابزار قدرتمندی در عرصه اطلاع‌رسانی؛ جهت‌دهی به افکار و اندیشه‌ها؛ بسیج و انسجام نیروهای پراکنده؛ پیوند گروه‌های دارای آرا، خواست و مشکلات مشترک و ایفای نقش مؤثر در شکل‌گیری تحولات اجتماعی و... تبدیل شده‌اند.

شبکه‌های اجتماعی در فضای سایبری و اینترنت شکل گرفته و با به‌کارگیری ابزارهایی، مانند تلفن همراه، وبلاگ، سیستم‌های نرم‌افزاری و... به صورت آنلاین و آفلاین، به سرعت گسترش یافته و به عنوان جنبش اجتماعی در فضای شهری نمود می‌یابند.

انگیزه تشکیل و واکنش این شبکه‌ها، از احساس تبعیض و بی‌عدالتی در جامعه، اهداف سیاسی تا ابراز خشم ناشی از یک رویداد و حادثه، پیگیری خواست مشترک گروهی و صنفی در موضوعی خاص، متغیر است. خودجوش‌بودن، امکان اطلاع‌رسانی گسترده و فراگیر در سطح محلی، ملی و فراملی، هم‌اندیشی در سطح وسیع، محدودنبودن به زمان و مکان، احساس امنیت بیشتر و... از ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی است. پیش‌تر، جهان کارکرد شبکه‌های اجتماعی را در تحولات تونس، مصر، ایسلند و حتی جنبش وال‌استریت، تجربه کرده است. بنابر آمارهای اعلام‌شده، بیش از ۵۰ درصد جامعه (حدود ۵۰ میلیون نفر) به اینترنت دسترسی دارند. حدود ۵۸ درصد کاربران برای کسب اطلاعات مختلف؛ ۳۸ درصد پست الکترونیک (ایمیل)، ۲۱ درصد شبکه‌های اجتماعی و حدود یک درصد نیز از تلفن اینترنتی بهره می‌گیرند. به‌علاوه آمارهای غیررسمی حاکی است ایران از حیث کاربرد گوشی‌های تلفن هوشمند مجهز به سیستم اندروید و نرم‌افزارهای پیشرفته، مقام اول خاورمیانه را دارد. در چند حادثه اخیر؛ درگذشت مرحوم مرتضی پاشایی، تجمعات معلمان، حادثه هتل تارا در مهاباد، حتی برخی وقایع جوی و...، کارکرد گسترده، سریع و فراگیر شبکه‌های اجتماعی، به عنوان ابزاری قوی در واکنش به مسائل اجتماعی، آشکار شده است. این مسئله، جدا از ایجاد تکاپو در مسئولان ذی‌ربط برای پاسخ‌گویی و واکنش مناسب در قبال خواست گروه‌های مزبور، عملا برخی باورها درخصوص استنباط شیوع بی‌تفاوتی اجتماعی در مردم را مورد پرسش قرار داد. تشکیل و گسترش شبکه‌های اجتماعی و نوع واکنش آنها به مسائل جامعه، ارتباط مستقیم با سرمایه اجتماعی دارد. سرمایه اجتماعی حاصل فرهنگ، تمدن، اخلاق، فناوری و... است. «سرمایه اجتماعی، حاصل منابع «هویت» و منابع «معرفت» یک ملت در هدایت آنها به پایبندی به هنجارهاست. هنجارهایی که در فرایندی معطوف به واقعیت و در بستری از آزادی انتخاب، توسط اجدادشان تعریف شده و مورد حفاظت قرار گرفته است».[1] راستگویی، رعایت قوانین و مقررات عمومی، احترام و رعایت حقوق دیگران، اعتماد، رعایت حریم و ارزش‌های مادی و معنوی متعلق به دیگران، تقید و تعهد به انجام درست کار و وظیفه، کارآیی و کارآمدی، مثبت‌اندیشی، مثبت‌نگری و... از جمله مصادیق هنجارها و ارزش‌های تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی هستند. «سرمایه اجتماعی، عاملی است که در مبادله‌های میان بازیگران اجتماعی و اقتصادی، می‌تواند جایگزین دولت، نظام حقوقی، استانداردها، پول و حتی- در شرایط خاص- جایگزین امنیت شود. عدالت یکی از شاخص‌های مقوم سرمایه اجتماعی است. با گسترش عدالت و هنجارهای عادلانه در جامعه، هنجارپذیری افزایش یافته و سرمایه اجتماعی ارتقا می‌یابد. عدالت به‌عنوان ابزار مهم تولید سرمایه اجتماعی، می‌تواند جایگزین دولت شود»[2]. با توجه به گستردگی عرصه عمومی و نبودن‌امکان نظارت کامل دولت، وجود سرمایه اجتماعی می‌تواند رفتارها را پیش‌بینی‌پذیر و هزینه‌های اجتماعی را کاهش دهد. رشد و تقویت سرمایه اجتماعی، مستلزم وجود عقلانیت جمعی و فردی، توجه به آیین‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و نیز هویت انسانی است. اجماع صاحب‌نظران اجتماعی بر این است که جامعه ایران امروز متأسفانه شاهد افول اخلاق و افت شدید سرمایه اجتماعی است. روند روزافزون رفتارهای هنجارشکنانه، بی‌توجهی به باورها، قوانین، ضوابط و مقررات، ارزش‌های فراگیر اجتماعی، رشد بی‌سابقه فساد و اختلاس و بی‌قانونی، در کنار نبود نظارت لازم، بی‌عدالتی و نابرابری در توزیع امکانات و خدمات عمومی، فقر، رانت، بهره‌گیری فردی از فرصت‌های موجود از سوی برخی و...، فضایی از بی‌اعتمادی را در جامعه به وجود آورده است. ظهور شبکه‌های مجازی در عرصه اجتماعی، پیامدهای متعددی دارد؛ این شبکه‌ها با سرعت چشمگیر و بدون محدودیت زمانی و مکانی، در زمینه اطلاع‌رسانی و نظارت بر امور اجتماع فعالند. هیچ عرصه‌ای از دید آنها نهان نیست؛ چه حوزه‌های دولتی و چه حوزه‌هایی که دولت امکان نظارت مناسب بر آنها را ندارد، از نظارت شبکه‌ها به‌ویژه با توان خودگزارشگری و خودخبرنگاری مردمی در امان نخواهند بود. تأثیر شبکه‌های اجتماعی دیگر قابل انکار نیست و جامعه وارد عصر نوینی از حساسیت، واکنش و مطالبه حقوق عمومی شده است. گرچه ممکن است آثار منفی شبکه‌ها نیز گاه موجب زحمت و دردسر شود، ولی ابعاد مثبت آن در گسترش دموکراسی و اصل نظارت همگانی که از اصلی‌ترین مؤلفه‌های دموکراسی است، مثبت و مفید ارزیابی می‌شود.

۱- دکتر محسن رنانی، رزیتا مؤیدفر، چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد، انتشارات طرح نو، چاپ دوم، ۱۳۹۲

۲- همان، ص ۱۴۹

عکس: آیدین رهبر

مروری بر کارنامه محسن رضایی

سردار تنها

مهسا جزینی

اگرچه کیهان از «محسن رضایی» عذر خواست تا غائله بخوابد، اما متن نامه سرگشاده فرمانده پیشین جنگ به «حسین شریعتمداری» نشان می‌دهد که دلخوری فرمانده پیشین از جریان اصولگرایی ریشه‌دارتر از این حرف‌هاست. وقتی که به صراحت خطاب به «حسین شریعتمداری» نوشت: «جنابعالی و بعضی از دوستانتان قریب به ۱۵ سال، به‌ویژه در سال‌های اخیر این‌جانب را با ده‌ها توهین و افترا همراهی کرده‌اید... مخصوصا مجموعه بی‌حرمتی‌های اخیر و زنجیره‌ای شما در مورد مصاحبه بنده با شبکه المیادین لبنان که از حد تحمل عبور کرده است. به‌هرحال این مواجهه ضدارزشی و غیراخلاقی، غیرقابل پذیرش است». انتشار بخشی از مصاحبه محسن رضایی با شبکه المیادین در مورد عربستان منجر به واکنش‌هایی به‌ویژه از سوی سرمقاله‌نویس کیهان شد. حسین شریعتمداری در عنوان سرمقاله خود نوشته بود: «برادر محسن از شما بعید بود». به‌دنبال آن محسن رضایی به کیهان نامه سرگشاده نوشت و دفترش هم تکذیبیه‌ای فرستاد که مصاحبه به‌صورت گزینشی و با برجسته‌سازی کاذب منتشر شده. بعد هم متن کامل آن روی سایت رضایی منتشر شد. یک‌روز بعد روزنامه کیهان از «رضایی» عذرخواهی کرد و در توضیحی نوشت: «اکنون بسیار خشنودیم که دفتر آقای رضایی متن کامل مصاحبه ایشان را منتشر کرده و در آن بر اعتراض شدید آقای رضایی به جنایات آل‌سعود تأکید شده است. از این‌روی، آن بخش از یادداشت کیهان که در انتقاد به سکوت آقای رضایی نسبت به جنایات آل‌سعود و عدم حمایت ایشان از مردم مظلوم یمن بود، مصداق ندارد بنابراین بخش یادشده هرچند که با استناد به گزارش اولیه «المیادین» نوشته شده بود ولی خود را ملزم به پوزش از برادر عزیزمان آقای رضایی می‌دانیم». اگرچه در انتهای این نوشته عذرخواهانه، کیهان همچنان موضع انتقادی خود نسبت به رضایی را حفظ کرده و می‌نویسد: «اگرچه اظهارنظر ایشان درباره دفاع ایران از مرزهای عربستان را کماکان غیرقابل‌توجیه تلقی می‌کنیم».

چرا «رضایی» گلایه‌مند است؟

محسن رضایی حق دارد از دست کیهان گلایه‌مند باشد. این روزنامه حداقل در دو مورد مشخص در این سال‌ها به‌صراحت به رضایی تاخته و تیغ تیز نقد خود را به سمتش گرفته است. یکی در ماجرای انتشار نامه امام از سوی هاشمی درباره پایان جنگ در سال ۸۵ و دیگری دوسال پیش با انتشار کتاب «راز قطع‌نامه» از مجموعه‌های نیمه پنهان.

سال ۸۵ یک کشاکش لفظی بین هاشمی و رضایی درباره پایان جنگ درگرفت. هاشمی در خطبه‌های نمازجمعه از اختلاف بین ارتش و سپاه گفت و علت کندی در روند جنگ بعد از سال ۶۱ را به فرماندهان نظامی نسبت داد. رضایی اما واکنش نشان داد، او از چیرگی فرماندهی سیاسی بر فرماندهی نظامی در جنگ انتقاد کرد و معتقد بود اگر هم کندی‌ای وجود داشته، به علت این بوده که سکان جنگ در دست سیاسیون بوده نه نظامیون. درنهایت، هاشمی نامه‌ای از امام را برای نخستین‌بار منتشر کرد که در آن به درخواست‌های عجیب محسن رضایی برای پیروزی در جنگ اشاره شده بود؛ ازجمله مسئله تهیه هواپیما و تلاش جدی برای ساخت سلاح‌های لیزری و... . اگرچه رضایی بعدا گفت این نامه خطاب به هاشمی بوده نه امام. بااین‌حال، مجموعه این کنش و واکنش‌ها کیهان را وارد ماجرا کرد. او رضایی و هاشمی را متهم به تشنج‌آفرینی کرد. شریعتمداری در سرمقاله‌ای نوشت: «هر دو بزرگوار، یعنی آقایان هاشمی‌رفسنجانی و محسن رضایی در این جدال فرافکنی کرده و هریک از آنها به‌عنوان مسئول نظامی و مسئول سیاسی جنگ، کوشیده‌اند علت پذیرش قطع‌نامه از جانب امام راحل(ره) را به اظهار نظر طرف مقابل نسبت دهند و صدالبته هر دو فرافکنی کرده و فقط بخشی از واقعیت را که به‌نفع خویش! تشخیص می‌دادند، بیان کرده‌اند! و از این روی هر دو نفر- با عرض پوزش- متهم به ابهام پراکنی و تشنج‌آفرینی در افکار عمومی، آن‌هم در شرایط حساس کنونی هستند».

بار دیگر سال ۹۲ با انتشار کتاب «راز قطع‌نامه» بود. روزنامه کیهان در مجموعه «نیمه پنهان» خود بخشی را به ماجرای پایان جنگ و قطع‌نامه ۵۹۸ اختصاص داده بود که بعدا همه آن را در کتابی منتشر کرد. کتاب به‌دنبال این است که چه کسی یا کسانی جام زهر را به امام داده‌اند. «محسن رضایی» و«هاشمی‌رفسنجانی» متهمان ردیف نخست هستند. کامران غضنفری، نویسنده کتاب، در مصاحبه‌ای گفته بود: «آقای رضایی، مشکل شما نداشتن توپ و تانک و هواپیما و هلیکوپتر و بودجه و... نبود، مشکل شما از دست‌دادن اعتقاد و ایمان بود. مشکل شما از دست‌دادن روحیه‌تان بود. مشکل شما این بود که از چند سال قبل به گفته خودتان به‌دنبال صلح شرافتمندانه بودید! در راستای خطی که آقای هاشمی پیش می‌رفت و شما پایتان را جای پای ایشان می‌گذاشتید».

«محسن رضایی» همان زمان جواب کیهان را در روزنامه جوان داد. ابتدای نامه‌اش، باز گلایه کرده بود: «اینجانب که افتخار ۱۶ سال فرماندهی سپاه در زمان امام راحل و رهبر معظم انقلاب را داشته‌ام پس از کناره‌گیری از فرماندهی سپاه، بارها و بارها شاهد توهین‌ها، دروغ‌ها و تحریف‌های دفاع مقدس بوده‌ام ولی به‌دلیل آنکه موضوع جنگ، شخصی و سیاسی نشود سکوت را بر دفاع از خود و دفاع مقدس، ترجیح داده‌ام، لکن اخیرا که در رابطه با تحریفات دفاع مقدس در یک کتاب، نامه‌ای به محضر رهبر معظم انقلاب نوشتم، ایشان فرمودند: «خود شما که در جنگ فرمانده بودید چرا جواب نمی‌دهید؟ من این کتاب را خواندم و در حاشیه آن نوشتم: «این خلاف است». «رضایی» بعد ازتوضیحات مفصلی که درباره علت ادامه جنگ بعد از آزادی خرمشهر و دلایل پذیرش قطع‌نامه می‌دهد، می‌نویسد: «بعضا سؤال می‌شود اینکه می‌گویند امام را وادار کردند که قطع‌نامه را بپذیرند، چیست؟

در جواب باید بگویم اولا اگر این فرضیه را قبول کنیم، جوابش «و مکروا و مکرالله» است، ولی چنین نظریه‌ای منطقی نیست چون حضرت امام در شرایط شکست‌های پی‌درپی و در پذیرش قطع‌نامه فرمودند که مصلحت اسلام و نظام، حکم می‌کند قطع‌نامه را بپذیریم. همین امام پس از پیروزی‌های پی‌درپی لشکریان اسلام فرمودند: ادامه پیش‌روی‌ها را قطع کنید. مدتی بعد هم فرمودند که ما در این جنگ یک لحظه هم از عملکرد خود پشیمان نیستیم. چه اتفاقی افتاده است؟ واقعیت این است که تغییر شرایط از شکست به پیروزی صورت مسئله و ماهیت پذیرش قطع‌نامه را تغییر داد».

فرش قرمزی پهن نشد

فرمانده جنگ هشت‌ساله، سال ۷۶ بعد از اینکه لباس خاکی‌رنگ نظامی را تکاند، آن را در گنجه گذاشت تا سال‌ها بعد هروقت نوستالژی روزهای جنگ را پیدا کرد آن را نمادین بر تن کند و در خیابان‌های تهران بچرخد (مانند راهپیمایی روز قدس سال گذشته) و به جایش کت و شلوار پوشید و به عرصه سیاست آمد... تصور می‌کرد اصولگرایان برای کهنه‌سرباز، فرش قرمز پهن می‌کنند اما این‌طور نشد. فرماندهی جنگ در عرصه سیاست برایش خوش‌شانسی نیاورد. او نه اصلاح‌طلب شد و نه اصولگرا، بلکه از هردو سو موردانتقاد قرار گرفت. «در دوران اصلاح‌طلبان می‌گویند چرا جنگ بعد از فتح خرمشهر ادامه یافت؟ و در دوران اصولگرایان گفته می‌شود: چرا به امام، جام زهر دادند؟ آنها نمی‌دانند که با این‌گونه اظهارات، موفق‌ترین نبرد ایران در ۳۰۰ سال اخیر را زیر سؤال می‌برند؟» یک‌بار دیگر هم گفته بود: «این روزها یک عده لیبرال می‌گویند چرا جنگ بعد از فتح خرمشهر ادامه پیدا کرد، یا یک عده انقلابی دوآتیشه می‌گویند چرا اجازه دادید امام جام زهر بنوشد؛ به اینها باید بگوییم شما کجا بودید که در جبهه حضور پیدا نکردید؟»

ایده ریاست‌جمهوری احتمالا از همان دوران جنگ و به‌دنبال یک شایعه به ذهنش رسید. خودش گفته است: «در سال‌های سخت جنگ و ازجمله در سال ۶۳ شایع شد که سپاه قصد دارد محسن رضایی را رئیس‌جمهور کند. یکی از ائمه جمعه به یکی از دوستان سپاه گفته بود: شنیده‌ام رضایی می‌خواهد رئیس‌جمهور شود. این کار ممکن نیست مگر اینکه از روی خون من رد شود».

معلوم نیست چرا رضایی نتوانست در جریان اصولگرایی جایگاهی برای خود پیدا کند. برخی آن را به ویژگی‌های فردی‌اش نسبت می‌دهند و دیگران آن را به خصلت فرمانده‌بودنش در جنگ هشت‌ساله که برای خود مرتبه‌ای فراتر از دیگر اصولگرایان قائل است. شاید انتظار داشته آنها زیر پرچم او جمع شوند. در انتخابات مجلس هفتم ناکام ماند. سال ۸۴ بعد از تأیید صلاحیت در انتخابات ریاست‌جمهوری انصراف داد. نظرسنجی «ایرنا» در سال ۸۴ میزان رأی «رضایی» را ۴.۷ درصد و «قالیباف» را ۱۶.۵ درصد اعلام کرده بود. مشخصا اقبال به فرمانده زیردست که چندسالی هم سکان نیروی انتظامی را در دست داشت، بیش از فرمانده جنگ بود. همان زمان اعلام شد: از ۷۰ عضو «فراکسیون وفاق» مجلس هفتم، ۲۰ نفر از «رضایی» حمایت می‌کنند. رضایی در عرصه سیاست هم فرمانده‌ای تنها بود. یک علت انصرافش هم می‌توانست به آمدن هاشمی مربوط باشد. او یک‌بار شانس خود را در دوران جنگ هشت‌ساله تجربه کرده بود. آنجا این فرمانده سیاسی بود که پیروز شد. رضایی اما یک مسئله را درست متوجه نشد. یکی از شاخصه‌های سیاست در این سال‌ها، تعیین زاویه سیاسیون با هاشمی‌رفسنجانی است؛ مخالفان و موافقان هاشمی. همین دو دسته هم در این سال‌ها پیروز عرصه سیاست بوده‌اند. دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام باوجود حضورش در مجمع، هیچ‌وقت اظهارنظر صریحی نکرده که به‌طور مشخص در یکی از این دو طیف بگنجد. درحالی‌که اجازه نداده زیر سایه هاشمی تعریف شود اما از مجموعه اظهارنظرهایش هم نمی‌توان این‌گونه برداشت کرد که او در طیف مخالفان سفت و سخت هاشمی جای می‌گیرد.

سال ۸۸ هم درحالی‌که همه اصولگرایان معتقد به ادامه ریاست «احمدی‌نژاد» بر دولت بودند و گزینه دیگری برای انتخابات رو نکردند، فرمانده باز به میدان آمد. مشخص بود که در طیف اصولگرایی شانس چندانی ندارد. بااین‌حال رضایی اقتصاددان، سال ۷۶ برای رسیدن به هدفی از سپاه خارج شده بود که نمی‌توانست به‌راحتی کوتاه بیاید. برای همین «منحنی فلاکت» را در برابر «احمدی‌نژاد» گذاشت و نسبت به عواقب رفتارهای اقتصادی دولت او هشدار داد. گفته شد مناظره او با احمدی‌نژاد با توسل به نگاه کارشناسی و به مدد آمار مستند، یکی از بهترین مناظره‌ها در برابر احمدی‌نژاد بوده است. بعد از انتخابات، ازجمله کسانی بود که به نتیجه آرا اعتراض کرد.

در این سال‌ها او هیچ‌گاه گزینه موردنظر طیف اصولگرایی نبود. هیچ‌وقت مانند سال ۷۶ که بر سر ناطق به اجماع رسیدند، بر سر او چنین وحدتی شکل نگرفت. جزء گزینه‌های ائتلافی سال ۹۲ هم نبود. مشخص نیست اصولگرایان سراغش نرفتند یا این فرمانده جنگ بود که نمی‌خواست در ائتلاف‌های شکننده در کنار وزیر خارجه یا فرمانده زیردست خود حاضر شود. سکان‌دار نظامی جنگ، در عرصه سیاست هم همچنان می‌خواهد تنها سکان‌دار باشد.

آینده سیاسی رضایی

محسن رضایی در سیاست به آنچه می‌خواست نرسید. گفته بود دغدغه‌های بیرون سپاه، روح و روانش را آزار می‌دهد. گفته بود کارش در سپاه تمام شده است و می‌خواهد کار فرهنگی کند. به‌جز کنش سیاسی، کار فرهنگی خاصی از رضایی در این سال‌ها دیده نشده است. احتمالا آن سال‌ها مقصودش از کار فرهنگی همین کار سیاسی بوده اما فرمانده نمی‌دانست که میدان جنگ با میدان سیاست متفاوت است. برای پیروزی، فقط فرمانده‌بودن کافی نیست. یا به حزب و کار تشکیلاتی نیاز دارد یا عده و عُده. در هیچ‌کدام اینها اما رضایی توفیقی نداشت. سایت بازتاب و بعدا تابناک تا مدتی رسانه منصوب به او بود اما بعد از مدتی آن را رها کرد. روزنامه ملت ما را هم یکی، دو سالی اداره کرد اما آن هم به دلایلی که معلوم نشد، تعطیل شد. رضایی مدتی هم به تحزب روی آورد اما تمایلی نداشت به‌عنوان یک فرد حزبی شناخته شود. بعدا درباره رابطه او با حزب «عدالت و توسعه» که آن‌هم این‌روزها چندان فعال نیست، گفته شد که رضایی پدر معنوی حزب است، اما حالا فکر کرده شاید تجارب جنگش به کار بیاید «فعلا مقرر شده که تجاربم را به همه نسل‌های آینده سپاه منتقل کنم و به آنها مشورت دهم و هیچ‌چیز دیگری مطرح نیست». این چیزی است که در علت تثبیت درجه‌اش در سپاه در حکم استادی دانشگاه امام حسین و در پاسخ به شایعه بازگشتش به سپاه گفت. گفته بود ۴۰۰ صفحه نامه نوشته‌شده به امام دارد که ۹۵ درصد آنها تاکنون منتشر نشده است. شاید فرمانده باید آینده سیاسی خود را در نوشتن خاطرات و ناگفته‌هایش از جنگ، انتشار نامه‌هایش و تدریس در سپاه رقم بزند.

منهای پایتخت

توزیع ۳ هزار بسته فرهنگی بین زائران حرم امام(ره)

● **فارس:** اکبر سلیمانی، مدیر فرهنگی- اجتماعی سپاه امام‌رضا(ع) شهرستان دشتی، گفت: بیش از سه‌هزار بسته فرهنگی تهیه و آماده توزیع در بین زائران حرم مطهر امام خمینی(ره) است. او افزود: امروز کشورهای اسلامی به‌جای اینکه با هم متحد و یکپارچه باشند، با ترفندهای استکبار جهانی علیه همدیگر صف‌آرایی می‌کنند که نمونه بارز آن تجاوز مستقیم عربستان به یمن با همکاری قطر، امارات و چراغ سبز آمریکا است.

انتقاد تند الله‌کرم از عربستان در مشهد

● **تسنیم:** حسین الله‌کرم، رئیس شورای هماهنگی حزب‌الله، در مشهد گفت: عربستان برای گستره قدرت خود در یمن و خلیج عدن، این جنگ را به‌راه انداخته است و امروز نیز از آنجا که می‌بیند منافعش در خطر است، به‌دنبال آتش‌بس است. او افزود: براساس فرمایشات امام راحل و مقام‌معظم‌رهبری، جهان امروز در پیچی تاریخی قرار دارد و باید با دقت و حساسیت از آن عبور کنیم. رئیس شورای هماهنگی حزب‌الله بیان کرد: در سال‌های اخیر موج اسلام‌گرایی در سراسر جهان در حال گسترش است و هراس اصلی غرب نیز بابت همین مسئله است و تحرکات اخیر آنها نیز از این امر ناشی می‌شود.

دیدار سفیر پاکستان با فرماندار چابهار

● **ایسنا، سیستان‌وبلوچستان:** نورمحمد جدمانی، سفیر پاکستان در تهران و هیأت همراه، با احمدعلی موهبتی، معاون استاندار و فرماندار ویژه شهرستان چابهار، در محل فرمانداری دیدار کرد. در این دیدار معاون استاندار و فرماندار ویژه شهرستان چابهار بر روابط دوستانه و مشترکات دو کشور ایران و پاکستان اشاره کرد و گفت: اولین اشتراک دو کشور، دین مشترک است و علاوه بر دین و فرهنگ، مشترکات زیاد دیگری نیز وجود دارد همچنین در سرود ملی پاکستان نیز بیشتر کلمات، فارسی است. موهبتی، انجام مبادلات تجاری با پاکستان را در حال حاضر ۵۰۰ میلیون دلار عنوان و خاطرنشان کرد: این عدد برای ما قابل‌قبول نیست و اراده‌ها بر این است که در آینده، این مبادلات به پنج میلیارد دلار برسد.

LEON

Since 1960

Respecting you is our business.

تجربه لحظات گرم و صمیمی

در شعبه نیاوران

نیاوران: خیابان دکتر باهنر(نیاوران)
قبل از دوراهی دزاشیب
تلفن : ۲۲۷۲۴۲۰۰-۲۲۷۲۴۲۰۰

www.leon1960.com

Design:HGr/Rakshaad/ Photo:artist